

# تأثیر رشد و گسترش محاکم ومراجع قضایی بر انسجام و همگونی سیستم حقوقی بین المللی

نوشته: جاناتان چارنی\*

مقدمه

انتشار این شماره از مجله حقوق و سیاست بین الملل، با چاپ مجموعه‌ای از سخنرانی‌های من درباره موضوع این سمپوزیوم که به تازگی انجام شده اند نیز هماه شده است. این سخنرانیها بر سوالات متعدد و بی شماری متمرکز می‌باشند که سازمان دهندگان سمپوزیوم را به تشکیل چنین نشستی واداشته است. به یقین، عنوان مشخص شده توسط این سمپوزیوم، عنوانی گسترده، مهم و مشکل است. دیدگاههایی که من در این حوزه ارائه می‌کنم ممکن است نتوانند به طور مناسبی این مسائل و پرسش‌ها را مورد توجه قرار داده یا حل نمایند. این امر کاملاً درست می‌باشد. زیرا شرکت کنندگان در این سمپوزیوم دیدگاهها و تخصص خاص خود را ارائه داده‌اند. خوشبختانه، کوشش‌هایی که من صرف مطالعه پیرامون این موضوع کرده‌ام، از تاثیری که محاکم بین المللی ممکن است بر روی نظام حقوقی بین المللی بر جای گذارند، درک بهتری ارائه خواهند داد.

برای جلوگیری از تکرار سخنرانی‌های لاهه در این نوشتار، افرادی که علاقمند به شواهد و بررسی‌های گسترده‌تر پیرامون مسائلی هستند که نتایج این نوشتار بر مبنای آنها استوارند، باید مقاله‌های مندرج در دروس آکادمی لاهه را مورد بررسی قرار دهند. در اینجا

اشارة: یکی از ویژگی‌های نظام حقوق بین الملل، ادکای آن بر محور همکاری و تعامل میان بازیگران بین المللی است. در این راستا است که در آن اقتدارات فراکشوری به سبک و سیاق حقوق داخلی وجود ندارد. یکی از نتایج این امر، تعدد مراجع بین المللی بویژه نهادهای قضائی به تبع اراده دولتها است. مساله این است که با وجود تعدد محاکم بین المللی و فقدان سلسله مراتبی رسمی میان آنها وضعیت همگونی و انسجام سیستم حقوقی بین المللی چگونه است و آیا این تعدد می‌تواند خطری برای این سیستم باشد؟ با توجه به اینکه کمیسیون حقوق بین الملل این موضوع را در دستور کاربردی‌های خود قرار داده است، برگ‌دان مقاله پروفسور چارنی، استاد فیض حقوق بین الملل، تقدیم خواندگان گرامی می‌شود.

\* J.charney, The Impact on the International Legal System of The Growth of International Courts and Tribunals, New York Uni.Journal of International Law,(vol.31,1999) ,pp. 697 - 708.

زیادی از محاکم بین المللی مستقل بعنوان بخشی از سیستم حقوقی بین المللی، برای آینده‌ای قابل پیش‌بینی باقی خواهد ماند. در نتیجه این امر، این سوال پیش می‌آید که آیا افزایش محاکم بین المللی، انسجام سیستم حقوقی بین المللی را تهدید می‌کند یا خیر؟ نه تنها این امکان وجود دارد که تعدد دیدگاهها درباره هنچارهای حقوق بین الملل، عقیده وجود یک سیستم حقوقی بین المللی واحد را تضعیف کند بلکه اگر دعاوی مشابه مورد رسیدگی یکسان قرار نگیرند، اساس سیستم دستوری حقوق [بین الملل] ازین خواهد رفت.

بر مبنای این پیشرفت، مشروعتی حقوق بین الملل در کلیت آن در معرض خطر قرار خواهد گرفت. در سخنرانی‌های لاهه، این سوال را از دیدگاه نظری مورد بررسی قرار داده و اساساً چند دکترین حقوق بین الملل عمومی را که توسط برخی محاکم بین المللی مورد عمل قرار گرفته بودند، از نظر حقوق تطبیقی مطالعه نمودیم. دکترین‌های مذکور عبارت بودند از حقوق معاهدات، منابع حقوق بین الملل، مسؤولیت دولت، پرداخت غرامت به خاطر خسارت واردہ بر بیگانگان، طی کلیه مراحل داخلی جبران خسارت،<sup>۸</sup> تابعیت و حقوق حاکم بر مرازهای بین المللی دریایی. در این میان، رویه قضایی توسعه یافته توسط دیوان بین المللی دادگستری، دیوان دادگستری اروپایی، دادگاه حقوق بشر اروپایی و دادگاه حقوق بشر آمریکایی، هیات حل اختلاف سازمان تجارت جهانی<sup>۹</sup> و موافقنامه عمومی تعریف و تجارت<sup>۱۰</sup> (GATT)، دیوان داوری دعاوی ایران - آمریکا، محاکم موقتی ایجاد شده برای تصمیم‌گیری پیرامون اختلافات مربوط به حقوق بین الملل و چندین دادگاه اداری سازمانهای بین المللی را مورد بررسی قراردادیم. در این میان، به این نتیجه رسیدم که دادگاههای مختلف بین المللی اواخر قرن بیستم، در مورد مسائل بنیادین حقوق بین الملل، دیدگاههای نسبتی یکسانی را رانده اند. گرچه تفاوت‌هایی میان آنها وجود دارد اما این محاکم به روشنی به یک دیالکتیک مشابه استغال دارند. اصول این حقوق بین الملل عام بدون توجه به تصمیمات موردنی دادگاهها، به صورت مشابه و یکسان باقی می‌مانند.

اما افزایش شمار محاکم حقوقی بین المللی و فقدان یک سیستم

به طور خلاصه به نتایج بدست آمده از این سخنرانی‌ها اشاره خواهد کرد و برخی از دیدگاههای دیگر را که پس آن به ویژه در نتیجه مشارکت در این سمپوزیوم بدست آورده‌ام را نیز ارائه خواهد داد.

**بند اول: پدیده تعدد محاکم بین المللی و علل بروز آن**  
هنگامی که بررسی علل گسترش کنونی تعداد دادگاههای بین المللی و سایر دیوانها آغاز می‌شود، این گسترش باید در متن مناسب تاریخی قرار بگیرد. مسلماً وجود یک دادگاه بین المللی دائمی واجد صلاحیت قضایی عمومی، حاصل و مخلوق قرن بیستم است. پیش از تاسیس دیوان دائمی دادگستری بین المللی<sup>۱۱</sup> (PCIJ) متعاقب جنگ جهانی اول، بسیاری از دادگاههای ویژه و موقعی متعددی تاسیس و به کار گرفته شده‌اند. حتی پس از اینکه دیوان بین المللی دادگستری<sup>۱۲</sup> (ICJ) در نتیجه جنگ جهانی دوم تأسیس شد، استفاده از محاکم موقتی نیز (گرچه به صورت محدود و اندک) ادامه یافت. بنابراین دیوان بین المللی دادگستری هرگز به تنها یی به عنوان دادگاهی انحصاری برای رفع اختلافات بر اساس حقوق بین الملل، به پا نخواسته است. این دیوان همیشه با دیگر مجتمع<sup>۱۳</sup> یا مراجع ثالث مربوط به حل و فصل اختلافات، همزیستی داشته است. در پی تأسیس محاکم دائمی و شاید استفاده کمتر از محاکم موقعی، تحولات اخیر در حال تغییر دادن محیط بین المللی هستند. به نظر می‌رسد که در سالهای اخیر میزان تغییر و دگرگونی محاکم موقتی به دائمی، به طور چشمگیری رویه افزایش گذاشته است.

از این‌رو، دولتها که در گیر اختلاف بین المللی شده‌اند، نسبت به گذشته طرق حل اختلاف بیشتری در اختیار دارند. دلایل موجه بسیاری به توضیح این مطلب کمک می‌کنند که چرا دولتها و سایر اعضای جامعه بین المللی ترجیح می‌دهند محاکم بین المللی متنوعی برای حل اختلافات شان در اختیار داشته باشند. این دلایل از جمله عبارتند از: میل برای پنهان کاری، کنترل و نفوذ در ترکیب مجتمع، وجود مجتمعی که بتواند به اختلافاتی که واحدهای غیردولتی در آنها بعنوان طرف دعوای حضور می‌یابند، رسیدگی نمایند.

### **بند دوم: آثار مثبت و منفی تعدد محاکم بین المللی**

در صورتی که دولتها سیستمی واجد راه حل‌های چندگانه‌ای را برای حل و فصل اختلافات بین المللی ترجیح بدند، این سوال پیش می‌آید که آیا ممکن است سلسه مراتبی درین آنها برقرار شود یا خیر؟

برای من روشن است که جامعه بین المللی نمی‌تواند و نخواهد توانست که سلسه مراتبی از محاکم بین المللی را برقرار کند که در پرتو آن، دیوان بین المللی دادگستری یا هر دادگاه دیگری بعنوان «دیوان عالی حقوق بین الملل»<sup>۱۴</sup> در راس حقوق بین الملل قرار گیرد. با این که دلایل این امر بسیار زیاد هستند، دو دلیل اصلی آن عبارتند از: اولاً این حقیقت که توازن جهانی یا تقریباً جهانی دولتها برای تن دادن به هر مرجع ویژه‌ای واجد این وضعیت، به لحاظ عملی و سیاسی غیرممکن می‌باشد و ثانیاً چنین «دیوان عالی»، میل جامعه بین المللی به تنوع بخشی به این مراجع را تضعیف می‌کند؛ زیرا بسیاری از مزایای متفقین این مراجع، پیوستن به چنین ساختار سلسه مراتبی را غیرممکن خواهد ساخت.

رسیدگی به دادگاهی با صلاحیت قضایی عام، هر کدام از ویژگیهای (نظیر صلاحیت‌های ویژه اعضای پانل) که سایر مراجع را در نگاه اول جذاب می‌سازد، تامین می‌نماید. از این‌رو، تعداد

**دولتها که در گیر اختلاف بین المللی شده‌اند، نسبت به گذشته طرق حل اختلاف بیشتری در اختیار دارند. دلایل موجه بسیاری به توضیح این مطلب کمک می‌کنند که چرا دولتها و سایر اعضای جامعه بین المللی ترجیح می‌دهند محوکم بین المللی متنوعی برای حل اختلافات شان در اختیار داشته باشند**

سلسله مراتبی موثر که پاسخهایی قطعی به اختلافات را بر طبق هنچارهای بین المللی عرضه کند، بدین معناست که یکنواختی کامل تصمیمات، غیرممکن می‌باشد. از طرف دیگر، واضح و مبرهن است که محاکم بین المللی موجود، به پیروی از استدلالهای مندرج در تصمیمات قبلی شان تمایل [زیادی] دارند. علاوه بر این، به دیدگاههای دیوان بین المللی دادگستری اهمیت و ارزش بسزایی

پیرامون برخی از داغ ترین پرونده‌ها از دیدگاه سیاست بین‌المللی، فراخوانده شده است.<sup>(۳)</sup>

با وجود این، حقیقت این است که مقایسه تعداد دعاوی رسیدگی شده توسط دیوان و دیگر دعاوی رسیدگی شده توسط دادگاههای عالی داخلی یا حتی سایر دادگاههای دائمی حل اختلافات بین‌المللی نشان می‌دهد که تعداد پرونده‌های دیوان نسبت‌اکم هستند. برمنای این واقعیت می‌توان ادعا کرد که دیوان به عنوان محکمه‌ای با اندک دعاوی ارجاعی باقی می‌ماند.

با وجود این، با توجه به محدودیت طرفیت دیوان، قضاوت آن تنها شماری محدود و محدود از دعاوی رادر بر می‌گیرد. اما این امکان برای دیوان وجود دارد که آین خود را به منظور رسیدگی به دعاوی بیشتر، کارآمد نماید. مهلت زمانی برای تسلیم لواح، لواح متفاصل و سایر استناد معمولاً طولانی هستند و صرفاً به صورت موردی تعیین می‌گردند. هیچ گونه محدودیتی در خصوص مدت زمان رسیدگی به این مدارک وجود ندارد. استماعات شفاهی دیوان ممکن است هفت‌ها به طول بیانجامد. فرایند های داخلی دیوان برای رسیدن به یک تصمیم و اصدار احکام برای تمام قضاط، امور بسیار مشکلی هستند وقت قابل توجهی را صرف خود می‌نمایند. علاوه بر این، نظریات مستقل و مخالفت [قضايا دیوان] می‌توانند رسیدگی به دعوا را طولانی تر کنند.

تغییر بین‌المللی آین های سنتی رسیدگی دیوان ممکن است دشوار باشد. حتی در صورتی که خود دیوان تمایل به این امر داشته باشد، مشخص نیست که دولتها حاضر باشند تغییرات قابل توجهی که چنین اهداف موثری را بهبود بخشد، پذیرند. هنگامیکه دولتها احکام، علیه یکدیگر اقامه دعوا می‌کنند، نمی‌خواهند توسط آین های تحت فشار قرار بگیرند که توان آنها را برای اقامه دعاوی‌شان به طور کامل و دقیق آن گونه که دوست دارند، محدود می‌کنند.

دلایل این نگرش تقریباً به روابط بین‌المللی و حساسیت‌های سیاست داخلی دولتها مربوط می‌شوند. به همین شکل، تسريع بیش از حد این بخش از مقررات دیوان ممکن است از مشروعیتی که احکام دیوان باید داشته باشند، بکاهد. در واقع، ویژگی مشورتی و کامل بودن دیوان ممکن است برای جذب برخی دعاوی به دیوان و اضافه شدن بر اقتدار تصمیمات و آرای آن ضروری باشد.

نمی‌توان گفت که دیوان نباید با سرعتی که لازم است رسیدگی کند یا آن که آین های آن نباید بهبود یابد. یعنوان مثال اخیراً در قضیه کنوانسیون وین روابط سیاسی<sup>(۴)</sup> مشخص گردیده است که دیوان می‌تواند سریعاً قرار اقدامات موقت حمایتی صادر نماید. این مثال، همچنین حساسیت موجود در اقتدار دیوان را ثابت می‌کند. دیوان سریعاً به اتخاذ اقدامات موقت حمایتی پرداخت و به ایالات متحده دستور داد تمام اقدامات در توان خود را به عمل آورد تا از اعدام آفای بريارد» توسط ایالات ويرجينيا جلو گیری کند. با وجود این، قوه مجریه ایالات متحده موضعی قوى را، آنچنان که باید، اتخاذ نکرد تا در نتیجه آن بتواند حکم [اعدام وى] را به تأخیر بیاندازد. دیوان عالی ایالات متحده از صدور دستور تأخیر در اعدام امتناع ورزید و فرماندار ایالت ويرجینیا نیز به حالت تعليق در آوردن اجرای آن رارد کرد.<sup>(۵)</sup>

فرهنگی بین‌المللی وجود ندارد که به آرای دیوان، اقتدار کامل و خودکار بیخشند. این امر گویای آن است که تعییرات اساسی برای تسريع آین های رسیدگی دیوان به منظور افزایش طرفیت رسیدگی آن ممکن است عاقلانه نباشد. در واقع، دیوان گامهای را برای بهبود

داده می‌شود و این دیدگاهها اغلب در نگرهای دیگر محاکم بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرند. از این رو، [برخلاف آنچه در ابتدا به نظر می‌رسد] امروزه عملکردهای مختلف دادگاههای بین‌المللی، تهدیدی برای انسجام سیستم حقوقی بین‌المللی پدید نمی‌آورند.

پیش‌بینی آینده، کار دشواری است. با وجود این، مشخص نیست که در آینده تعداد بیشماری از دادگاههای جدید خلق می‌شوند یا خیر. ممکن است که به خاتمه تأسیس محاکم جدید به وجود دارند محکم دائمی بررسیم. به هر حال، گرچه خطوات همیشه وجود دارند ولی با توجه به درسها و تجارب گذشته، حفظ همین تعداد از محاکم یا حتی افزایش تعداد آنها، مشکلاتی را برای حقوق بین‌الملل پدید نمی‌آورد.

یکی از نقاط قوت تعدد و چندگانگی محاکم بین‌المللی این است که تا حدی فضا را برای بررسی، تحقیق و تجربه [قضايا] فراهم می‌کند، این امر می‌تواند به پیشرفت‌هایی در حقوق بین‌الملل منجر گردد. فقدان یک سیستم کاملاً سلسله مراتبی، فرصتی برای محاکم بین‌المللی پدید می‌آورد تا در [شكل گیری و شناسایی] عقاید جمعی که ممکن است در حقوق بین‌الملل عام وارد شوند، نقش آفرینی نمایند. این امر ارزیابی عقاید مذکور توسط جامعه بین‌المللی در کلیت آن را نیز تسهیل می‌نماید. در نهایت، بهترین عقاید، مورد پذیرش وسیع [محاکم] قرار خواهند گرفت و در بدنه حقوق بین‌الملل وارد می‌گردد. به هر حال، در برخی موارد [استفاده از] راه حل‌های منحصر به فرد برای شرایط ویژه، راه حل و انتخاب بهتری

## روشن است که جامعه بین‌المللی نمی‌تواند و خواهد توانست که سلسله مراتبی از محاکم بین‌المللی را برقرار کند که در پرتو آن، دیوان بین‌المللی دادگستری یا هر دادگاه دیگری بعنوان «دیوان عالی حقوق بین‌الملل» در راس حقوق بین‌الملل قرار گیرد

خواهد بود. [وجود] ساختار کاملاً سلسله مراتبی برای تصمیمات بین‌المللی ممکن است محدودیت‌های نامطلوبی را بر توسعه حقوق بین‌الملل عام و حقوق خاص برای مسائل خاص، بر جای بگذارد.

### بند سوم: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در انسجام حقوق بین‌الملل

استدلال بر اینکه این دادگاهها برای حل قضایای ارجاع شده از دیوان بین‌المللی دادگستری کمک بگیرند، بسیار دشوار می‌باشد. چرا که این امر، دیوان را از ایفای نقش صحیح و به حق خود در قضاوت پیرامون حقوق بین‌الملل باز می‌دارد. «حتی با وجود افزایش شمار دادگاههایی که درباره مقولات حقوقی بین‌المللی تصمیم گیری می‌کنند، انکار نقش دیوان محتمل به نظر نمی‌رسد. در عوض، دیوان در سالهای اخیر با سنگین ترین پرونده‌ها در تاریخ خود روبرو بوده است.<sup>(۶)</sup> علاوه بر این، در طی این دوره، دیوان برای تصمیم گیری

آینه های رسیدگی خود برداشته است. اما جامعه بین المللی نیز تلویحاً از تقویت دیوان جلوگیری نموده و در برابر آن ایستاده است. در نتیجه، دیوان گامهایی را برای افزایش تاثیر آینه های داخلی اش، ترغیب دولت های خواهان به ارائه ادعاهای کتبی شفاف تر و منجزتر، فراهم کردن امکان دسترسی سریع و آسان همگان به قرارها و احکام خود از طریق شبکه اینترنتی جدید آن<sup>(۷)</sup> برداشته است.

از طرف دیگر، سازمان ملل محدودیت های بودجه ای شدیدی را بر دیوان تحمیل نموده که به موجب آن به توانایی دیوان برای رسیدگی به دعاوی زیاد صدمه زده است. تفاوت فاحش بودجه تخصیص یافته به دیوان (۱۱ میلیون دلار) در مقایسه با بودجه ای که برای دیوان کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق تخصیص داده شده بود (۷۰ میلیون دلار)، نشان دهنده عدم علاقه بخشی از جامعه بین المللی به تقویت دیوان تا حدیک دیوان عالی بین المللی است.<sup>(۸)</sup> حمایت شدید ابراز شده در خصوص تأسیس دیوان کیفری

بین المللی<sup>(۹)</sup> در کنفرانس رم در سال ۱۹۹۸، گواه دیگری بر این نتیجه گیری می باشد.<sup>(۱۰)</sup>

به رغم محدودیت ها و موانعی که در بالا شرح داده شد، ما شاهد گسترش کلی و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی از طریق مراجع حقوق مدار<sup>(۱۱)</sup> بوده ایم.

این امر به نظر می رسد که بازتابی از پرنگ شدن حقوق بین الملل در حل و فصل اختلافات بین المللی و ایجاد محیط مناسب و سالم برای رخداد این امر می باشد. اگر غیر از این بود، کشورها و دیگر اشخاص بین المللی کمترین اختلافات را به مراجع حقوقی بین المللی ارجاع می دادند. این امر ممکن است بازتاب این حقیقت باشد که سایر مراجع به ویژه در مورد موضوعاتی که شامل مقوله هایی کمتر نگران کننده هستند، یا کشورهایی را شامل می شوند که نزد دیوان نمی تواند طرف دعوا به حساب آیند، مکمل هایی ضروری برای دیوان هستند.

این حقیقت که فقط دولت - کشورها هستند که نزد دیوان می توانند طرف دعوا قرار گیرند<sup>(۱۲)</sup> ممکن است دلایل ایجاد سایر محاکم و این که آنها [در مقایسه با دیوان] دعاوی بیشتری را جذب می کنند، توضیح داده و تشریح نماید.

تأسیس و کاربرد مراجع متعدد ثالث برای تصمیم گیری در خصوص مسائل حقوق بین الملل به معنای آن است که بیشتر مسائل بین المللی براساس حقوق بین الملل در حال حل و فصل در آن مراجع هستند. این امر بر آن دسته از تصمیمات مبنی بر حقوق بین الملل که از خصوصیت امری برخوردار بوده و جامعه بین المللی می تواند بر آنها تکیه نماید، خواهد افزود. متأسفانه، دیوان بین المللی دادگستری برای بررسی کلیه این مسائل بی شمار و گاه بسیار تخصصی مجهر نبوده و از توان لازم برخوردار نیست. در کل، مراجع دیگر بدون توجه به خطر برخی ناهمگونی ها [در تصمیمات]، کار دیوان را تکمیل می کنند و سیستم حقوق بین الملل را تقویت می نمایند.

به یقین، هدف اصلی سیستم حقوقی بین المللی این است که جامعه بین المللی را در راستای جلوگیری از وقوع اختلافات یاری کند و در صورت وقوع این اختلافات، در حل آنها کمک نماید. بسیاری از مراجع قضایی موجود در راستای تحقق این دو هدف گام بر می دارند. آنها اغلب در زمینه [رسیدگی به] اختلافاتی که داخل در حوزه صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری نیستند، از صلاحیت اجباری برخوردارند. در آن وضعیت ها، دولتها [بخوبی] می دانند که اگر اختلافی بروز نماید، ممکن است مجرور شوند نزد

## تأسیس و کاربرد مراجع متعدد ثالث برای تصمیم گیری در خصوص مسائل حقوق بین الملل به معنای آن است که بیشتر مسائل بین المللی در آن مراجع براساس حقوق بین الملل در حال حل و فصل هستند. این امر بر آن دسته از تصمیمات مبنی بر حقوق بین الملل که از خصوصیت امری برخوردار است که نظرات و دیدگاههای آن در خصوص مسائل حقوق بین الملل عام (عرفی) را واحد اهمیت ویژه می نماید.

به یقین، دیوان قادر است برای ارایه دیدگاههای پدید آمده در خصوص حقوق بین الملل عام (عرفی)، این موضع را حفظ کرده یا بر آن تکیه نماید. جامعه بین المللی آماده است تا دیدگاههای دیوان در خصوص این حقوق را کاملاً جدی بگیرد و اگر دیوان صلاحیتی سطح بالا بیابد و نظرات خود را به طرف استدلالی و منطقی ارایه نماید، این امر را ادامه دهد تا بدین طرق، تصمیمات و دیدگاههای مذکور که کاملاً فراسوی صلاحیت مشهور و معمول دیوان هستند، بر روی حقوق بین الملل عام (عرفی) تأثیر بگذارند. به رغم این واقعیت که جامعه بین المللی وضعیت دیوان عالی حقوق بین الملل با اقتدار رسیدگی جهانشمول<sup>(۱۳)</sup> را به دیوان بین المللی دادگستری اعطای نکرده است، این امر صحت دارد.

پس دیوان در حفظ انسجام و پیوستگی حقوق بین الملل حتی به رغم فقدان چنین صلاحیتی، نقش مهمی را بباء می کند. هم اعضای دیوان بین المللی دادگستری و هم اعضای ملل متحده مسئولیت دارند تضمین نمایند که دیوان به ایفای این نقش ارزشمند ادامه دهد. از

توجه دیوان بین المللی دادگستری هستند، کمک می کنند. حتی اگر دیوان به عنوان دیوان عالی حقوق بین الملل تأسیس نشده باشد، این دیوان با [عملکردهای مختلف از جمله] تأیید تفسیری خاص از این حقوق می تواند قاعده ای را آنچنان که دولتها و سایر محاکم احتمالاً از آن تعیت می کنند] یعنی قادر به اجرای آن باشند] تقویت نماید.

### نتیجه گیری

اگر چه [پدیده] تنوع و گوناگونی میان محاکم تصمیم گیرنده در باب مسایل حقوق بین الملل، در خصوص انسجام حقوق بین الملل و مشروعیت آن به عنوان سیستمی حقوقی چندان مهم نیست، این نکته را نباید از نظر دور داشت که ممکن است در آینده مشکلات زیادی پدید آید.

محاکم متعدد بین المللی غیر از دیوان بین المللی دادگستری که در مقاله های اینجانب در لاهه بررسی شده اند، از دستور کارهای خاص خود برخوردارند. آنها در جهت منافع دولت هایی که با ایجاد رژیمهای قراردادی، به تأسیس آنها اقدام کرده اند، عمل می نمایند.

تعیت از این رژیم قراردادی ممکن است از وفاداری به سیستم حقوقی بین المللی به عنوان یک کل، بیشتر شود. این محاکم تخصصی، این خطر را در بردارند که نیروهای گریز از مرکزشان، آنها را در جهت هایی متفاوت از هسته حقوق بین الملل بکشانند.

در نتیجه، این محاکم تخصصی ممکن است در تصمیمات خویش پیامون حقوق بین الملل عام (عرفی)، تنوع بیشتری بیافرینند و به انسجام و همگونی سیستم حقوقی بین المللی صدمه بزنند.

اگر یک سیستم قضایی سلسله مراتبی<sup>۱۰</sup> برای حقوق بین الملل نباید پدیدار گردد، در برابر نیروهای گریز از مرکز مذکور، دو عامل بعنوان نیروهای منفی مقابله عمل خواهد کرد: اولاً دیوان بین المللی دادگستری باید به حفظ نقش رهبری معنوی خود در این عرصه ادامه دهد. اگر بدین نحو عمل نماید، سایر محاکم تحت فشار قرار خواهد گرفت تا از تصمیمات دیوان در خصوص حقوق بین الملل تعیت نمایند. ثانیاً، سایر محاکم و دیوان بین المللی دادگستری باید ترغیب شوند تا گفتگو و تفاهمی را که قبلاً میان آنها وجود داشت، افزایش دهند. این ایده که کلیه این محاکم در تلاش مشترک شرکت دارند، مورد تاکید قرار خواهد گرفت. این امر در عین این که هنوز استقلال این محاکم را میسر می سازد، ممکن است فشار زیادی را علیه نیروهای گریز از مرکز وارد آورد.

علاوه بر این، دیوان بین المللی دادگستری ممکن است احکام و آرای خود را به گونه ای که گویی یک دیوان عالی بین المللی است، تقریر نماید و صراحتاً دیگر نظریات و دیدگاههای سایر محاکم به کار رفته است، بررسی کند. با تکیه بر این تحلیل های آشکار، دیوان می تواند تصمیماتی کاملاً استدلالی و منطقی صادر نماید و در آنها دیدگاههای سایر محاکم را بررسی کند. احتمال دارد که این نقش آفرینی ها حتی اهمیتی بیشتر از آنچه تاکنون داشته، پیدا نماید. تفسیری یک قاعده حقوق بین الملل عام (عرفی) که توسط یک دادگاه ارایه شده و سپس توسط دیوان مورد بررسی قرار

آنجا که محاکم و حقوقدانان در گیر با کلیه محاکم بین المللی معمولاً از دیدگاههای سایر محاکم به ویژه دیوان بین المللی دادگستری بخوبی آگاهند، این تصمیمات در خصوص مسایل حقوقی مشابه مطروحه نزد سایر مراجع حل اختلاف، نصب العین قرار می گیرند. پس بین محاکم بین المللی، میزان قابل توجهی از تنقیح و تکمیل متقابل صورت می پذیرد. در این محیط، دیوان بین المللی دادگستری به عنوان قدرتی شگفت انگیز باقی میماند. آرای دیوان بین المللی دادگستری به طور مرتب مورد تجزیه و تحلیل قرار

می گیرند و در کلیه آرا و تصمیمات محاکمی که به مسایل حقوق بین الملل می پردازنند، بعنوان مرجع، اشاره می شوند. تغییر این وضعیت [دیوان] در آینده ای نزدیک، غیر محتمل است.

از طرف دیگر، اکنون معلوم شده که سکوت دیوان خطر اساسی در برنارد و دیوان در به هم بافت پاره های حقوق بین الملل، نقش رهبری ایفا می نماید. این پاره ها نه تنها در منابع اصلی سنتی این حقوق بلکه در تصمیمات دیوان بین المللی دادگستری و سایر محاکمی که به مسایل حقوق بین الملل عام (عرفی) می پردازنند، وجود ندارد. از این رو، امور اغلب به دیوان ارجاع می شوند تا دیوان تنها براساس حقوق بین الملل عام (عرفی) تصمیم گیری نماید. کلیه محاکم دیگر موجود تنها با اختلافاتی سروکار دارند که در چارچوب رژیم معاهده ای ایجاد کننده آن (محاکم) بروز نمایند. این گستره محدود، مانع از آنست که آنها بتوانند بعنوان مرجعی قطعی رسیدگی به مسایل حقوق بین الملل عام عمل نمایند. این نقش عملاً به دیوان بین المللی دادگستری اختصاص یافته است. دیوان می تواند تحولات حقوق بین الملل را در طیف کامل روابط بین المللی، مد نظر قرار دهد.

در نتیجه، تصمیمات دیوان دیدگاه و چشم انداز دیدگاهی را منعکس می سازد که از محدودیت های مضيقی که یک رژیم خاص ممکن است بر یک مرجع [حل اختلاف] تحمیل نماید، مصون باقی مانده است. از این رو، نظریات دیوان در مورد حقوق بین الملل عام (عرفی) ضرورتاً از نظریات مشابه محاکم واجد صلاحیت تخصصی و دیدگاههای محدودتر، اهمیت

**دیوان بین المللی دادگستری ممکن است احکام و آرای خود را به گونه ای که گویی یک دیوان عالی بین المللی است، تقریر نماید و صراحتاً دیگر نظریات و دیدگاههای حقوقی بین المللی را که توسط سایر محاکم به کار رفته است، بررسی کند. با تکیه بر این تحلیل های آشکار، دیوان می تواند تصمیماتی کاملاً استدلالی و منطقی صادر نماید و در آنها دیدگاههای سایر محاکم را بررسی کند**

بیشتری دارند. نقش رهبری دیوان، حفظ و توسعه حقوق بین الملل عام (عرفی) را تقویت می نماید.

محاکم دیگر [نیز] ممکن است در مورد اختلافات تصمیم گیری کرده و رأی صادر نمایند اما این تنها دیوان است که بر حقوقی که اجرا می کند (حتی اگر از تصمیمات سایر مراجع مطلع باشد)، مهر تایید می گذارد. از آن دید، سایر مراجع به تشخیص مسایل مهم حقوق بین الملل که شایسته

گرفته و رد شده است، استمرار حفظ این دیدگاه را برای آن دادگاه مشکل خواهد ساخت. علاوه بر این، اگر دیدگاههای محاکم دیگر توسط دیوان بین المللی دادگستری مورد تأیید قرار گیرد، می‌توانند با قوت تمام به حفظ آن دیدگاهها و استمرار آنها مبادرت ورزند. از طرف دیگر، این محاکم ممکن است برای پذیرش دیدگاههای مورد تأیید دیوان بین المللی دادگستری، بیشتر ترغیب شوند. بدون شک، افزایش گفتگو بین محاکم خواه به صورت صریح یا ضمنی، برای جلوگیری از نیروهای بالقوه گریز از مرکز، مهم خواهد بود.

به رغم این خوش بینی، اگر در یک دوره زمانی از حیات چندگانگی محاکم بین المللی کنونی دقیق‌تر شویم، خطرات [زیادی] را مشاهده خواهیم کرد.

این محاکم و دولتهاست تأسیس کننده آنها ممکن است آن چنان انسجام‌بینی را در حقوق بین الملل پیدی آورند که پیوستگی، انسجام و همگونی این سیستم حقوقی را تهدید نماید. دولتها و محاکم تأسیس شده توسط آنها باید نسبت به این احتمال نامطلوب حساس باشند. با این که انشعاب، تجربه و رقابت ارزشمند هستند، پیوستگی و انسجام حقوق بین الملل برای حفظ یک سیستم باید به منظور جلوگیری از خطرات غیرضروری، نسبت به حفظ درجه‌ای مناسب از همگونی حساس باشند.

به همین دلایل، نتیجه می‌گیریم مدرکی وجود ندارد که نشان دهد انسجام حقوق بین الملل به دلیل افزایش شمار محاکم بین المللی، مورد تهدید جدی و مهم قرار گرفته است. با این حال، کلیه شرکت کنندگان در این سیستم لازم است نسبت به خطرات نهفته در این «سیستم عدم مرکز» حساس بوده و در خصوص جلوگیری از اقداماتی که احتمال تجزیه این سیستم را دارند، دقیق باشند. ■

#### پادداشت‌های پایانی:

<sup>۱</sup>- Jonathan I. Charney, Professor of Law, Vanderbilt University; "The Impact on the International Legal System of the Growth of International Courts and Tribunals", *New York University Journal of International Law and Politics*, (Vol. 31, 199), pp. 697 - 708.

<sup>۲</sup>- Collected Courses (recueil Des Cours) of the Hague Academy.

<sup>۳</sup>- Permanent Court of International Justice (PCIJ).

<sup>۴</sup>- International Court of Justice.

<sup>۵</sup>- در اینجا، مقصود از مجامع، می‌باشد.

<sup>۶</sup>- Third – Party Settlement of Disputes.

<sup>۷</sup>- Suprem Court of International Law.

<sup>۸</sup>- Exclusion of Local Remedies.

<sup>۹</sup>- The World Trade Organization (WTO).

<sup>۱۰</sup>- General Agreement on Tariffs and Trade

<sup>۱۱</sup>- به نظر می‌رسد که مقصود نویسنده این است که این گونه نقش افرین‌ها، خارج از اساتذه دیوان بوده و دیوان را حدد وظایف قانونی و حقوقی خود فراتر نمیرد.

<sup>۱</sup>- International Criminal Court.

<sup>۲</sup>- Law – Based Tribunals.

<sup>۳</sup>- اگر به سایت اینترنتی دیوان مراجع شود، در زیر عنوان «اطلاعات عمومی» این مطلب به صورت برجسته آمده است که: نتها دولتها هستند که می‌توانند نزد دیوان طرف دعوای قرار گیرند. ر.م. به: < www. icj. icj. org / icj www / igeneralinformation / ib book / B book frame page. htm>.

<sup>۴</sup>- The Supreme Court of International Law with universal authority.

<sup>۵</sup>- منظور این است که همانند سیستم‌های حقوقی داخلی که برای کنترل برتری قانون اساسی و سایر قوانین برقرار، تدبیری قضائی پیش‌بینی می‌کنند، در حقوق بین الملل هم باسته که تدبیر قضائی برای کنترل رعایت قواعد حقوق بین الملل پذیراد می‌گشت. ولی چنین تیستگی به ایجاد اقدار افتخاری فراکشوری در بین المللی دارد که خود با حاکمیت‌ها (حداقل به مفهوم امروزین آن) غیرقابل می‌باشد.